

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۱۳ نومبر ۲۰۱۶

جنگ زرگری بین اجزای دولت دست نشانده

هر چند بنا بر وعده ای که به دوستان نموده بودم تصمیم داشتم تا نظراتم را پیرامون تغییراتی که در کاخ سفید قرار است اتفاق بیفتد بنگارم، مگر شنیدن اخبار مربوط به استیضاح وزیران اداره مستعمراتی کابل به اتهام مصرف نکردن بودجه های انکشافی وزارت خانه های مربوطه شان به وسیله اصطلاح پارلمان دولت دست نشانده و حذف سه وزیر من جمله "صلاح الدین ربانی" رهبر جمعیت اسلامی که از مدتها بدین سو با "غنی" قهر است، وادارم ساخت تا ضمن ابراز پوزش خدمت آن عده از دوستان که منتظر نوشته ام به ارتباط تحولات کاخ سفید اند، به استناد ضرب المثل معروف مردم کابل که گویند، "چراغی که در خانه بسوزد، مسجد را صبر است" نخست آنچه را از خیمه شب بازی نهاد های اداره مستعمراتی کابل برداشت دارم تقدیم خوانندگان عزیز پورتال نموده، از ایشان خواستار تکمیل و تصحیح این برداشت گردم.

در هفته ای که گذشت، به گفته مردم از "کلوخ آتش پریده" به اصطلاح پارلمان اداره مستعمراتی کابل، که زمانی حاضر نبود حتا وزراء را به خاطر ناتوانی شان جهت مصرف نمودن ۵۰ درصد بودجه انکشافی وزارت شان، مورد بازخواست قرار دهند، یکباره "آسمان قر کرد و زمین تر" و آنها فیصله نمودند که ۱۷ وزیر کابینه اداره مستعمراتی به دلیل ناتوانی شان در مصرف ۷۰ درصد بودجه انکشافی، استیضاح و در صورت لزوم دور بیفکنند.

برای آنانی که به روال کار نهاد های اداره مستعمراتی اعم از به اصطلاح حکومت و پارلمان آشنا هستند، چنان غیر منتظره و دور از باور بود، توگویی آفتاب از مغرب طلوع نموده و می باید همه آمادگی قیامت را بگیرند. در اینجا به منظور آن که بتوانیم بیشتر به عمق قضیه وارد شویم، نخست در یکی دو جمله بر بودجه انکشافی و تفاوت آن بر بودجه عادی مکث نموده، بعداً می پردازم به دلایل استیضاح.

تا جایی که من می دانم، بودجه انکشافی به آن بخش از بودجه یک نهاد گفته می شود، که بر پایه مصرف همان بودجه، نهاد مربوطه، بستر گسترش و توسعه کارش را فراختر و بهتر نموده، مطابق به پلان مدنظر و پول اختصاص یافته، یک خود را به دو، سه چهار، پنج و ... ارتقاء دهد. در حالی که بودجه عادی کاملاً مشخص بوده به صورت عمده مصارف کارمندان و روال عادی و موجود کار را می باید پاسخگو باشد.

با چنین شناختی از بودجه های عادی و انکشافی و درک تفاوت بین آنها واضح می گردد، که اگر خورد و برد، سرقت، رشوت و اختلاس از بودجه عادی برای اداره چپان، غدودی باقی می گذارد، بودجه انکشافی امکان دسترسی به گاو کامل را در چشمسار سارقان، مختلسان و رشوت ستانان قرار می دهد. در نتیجه:

۱- تا جایی که همه شاهد هستیم به خصوص آنهایی که تمام مدت در افغانستان زندگانی نموده اند و مظلوم گردانندگان و وابستگان اداره مستعمراتی را با گوشت و استخوان خویش تجربه نموده اند، می دانیم که اکثریت مطلق- بحث اقلیت فقط به مقدار مصارف برمی گردد، نه چیز دیگری- آنهایی که اینک به عنوان وکیل و یا نماینده مردم در پارلمان اداره مستمراتی کابل ایفای وظیفه می نمایند، در جریان انتخابات پارلمانی به صد ها هزار دالر هزینه کرده اند تا به چنین "مقامی!!" نایل آیند. کاملاً واضح است که هدف این افراد از قبول چنان مصارف گزافی، تنها دست یافتن به معاش وکالت و خرج دسترخوان خودش و افراد محافظش از مجرائی که قانون معین نموده نیست، زیرا هرگاه هدف دست یافتن به همان معاش می بود عاید شان در مقایسه با مصارف هنگفتی که تقبل نموده اند، انسانی را به خاطر می آورد که گویا یک تخم مرغ را هر عدد، یک افغانی یعنی صد پول خریده، بعد از جوش دادن و رنگ کردن بخواهد آن را عدد ۲۵ پول به فروش رسانده و در انتظار ازدیاد سرمایه اولی خود هم باشد.

وقتی چنین نیست و آنهایی که خود را به ننگ خدمت به استعمار آلوده نموده و در تاریخ نام شان به مثابه میهنفروش ثبت گردیده است، باید دید چرا به پذیرش چنین ننگی تن داده اند.

اگر از اعتبار کذائی که نام وکیل برای عده ای به ارمغان آورده و با تکیه بر کرسی وکالت شورا از مصونیت برخوردار می گردند، بگذریم اساسی ترین علت کاندید شدن و پذیرش آنهمه مصارف، دست یافتن به امکان غارت مالکیت و منافع ملی به تکیه بر مقام و چوکی وکالت شان می باشد. این وکیلان خوب می دانند، که از بودجه های عادی به جز اخذ مقداری پول به خاطر مقرری تازه چیز دیگری برایشان نمی رسد، در حالی که عکس بودجه عادی، بودجه انکشافی خزانه غیبی است که با عقد هر قرار دادی، می تواند میلیون ها دالر به جیب هریک از آنها سرا زیر نماید، امری که در دوران سیزده ساله "کرزی" صورت گرفته و با استناد اسنادی که خود دولت دست نشانده و حامیانش منتشر نموده اند، بیش از ۱۰۸ میلیارد دالر به همین صورت به غارت رفته است.

این را هم می دانیم که با نصب "غنی" به جای "کرزی"، "غنی" خلاف "کرزی" که هم خود می خورد و هم به دیگران اجازه خورد و برد آزاد می داد، و از آن طریق هر یک از وکلاء به نان نوائی رسیده با عقد قرار داد های موهوم بودجه های انکشافی را غارت نموده بودند، اینک آن آزادی در خورد و برد از بین رفته، با در انحصار در آوردن عقد تمام قرار داد ها از طرف ارگ بخوانید "غنی" و باندش، در واقع برای وکلاء دو راه بیشتر نمانده، یا می باید همه کمر بند ها را محکمتر بسته، خود را به گرسنگی به فهم خودشان عادت دهند و یا این که قشقه های گذشته را از پیشانی پاک نموده، سر بر آستان "غنی" و باندش گذاشته، به خورد و برد شان کمافی السابق ادامه دهند.

اینجاست که مصرف بودجه های انکشافی به محراقی مبدل می گردد، که تمام وکلاء را به دور خود جمع می نماید. در واقع ارگ، با امتناع و جلوگیری از عقد قرار داد ها، در عمل وزرای اداره مستعمراتی را در تقابل با وکلاء قرار داده بدین وسیله می خواهد از یک جانب از شر برخی از وزراء خود را خلاص نماید و از جانب دیگر، وکلاء را نیز وادار به تجدید قشقه های اطاعت نماید.

۲ - دومین عاملی که می تواند چنین اجماعی را بین وطنفروشان، به وجود آورد، تفاهم مشترک "غنی" و "عبدالله" در نوسازی به اصطلاح کابینه است. چه این را می دانیم که هر دو طرف حین انتخابات به تعداد زیادی از کسانی که برای آنها کار می کردند، وعده وزارت و مقامات دیگر داده بودند، در حالی با تشکیل به اصطلاح "حکومت وحدت ملی"

سهم هریک از آنها نصف شده و باعث گردید تا نتوانند به وعده های شان عمل نمایند، در این جاست که ضمن یک تبنای با به اصطلاح پارلمان، می خواهند از شر عده ای از آنها خود را خلاص نموده، به جای آنها با گزیدن افراد جدید نارضایتی طرفداران شان کاهش بدهند.

۳ - نکته دیگری که نباید از نظر دور داشته شود، آزمندی های سیری ناپذیر وکلاء در گرفتن رشوت از وزراء می باشد. این را می دانیم که هر وزیری قبل از آن که جهت اخذ رأی اعتماد به شورای اداره مستعمراتی برود، باید مبلغ هنگفتی را به گروهی که در آنجا وجود دارد، به صورت پیشکش بفرستد، در غیر آن موفق به گرفتن رأی اعتماد نخواهند شد. به عبارت دیگر با در نظر داشت آن که برخورداری از رأی اعتماد، قیمت معین خود را دارد، وکلاء جمعی از وزراء را مورد مؤاخذه قرار می دهند، تا یا پول بپردازند و برچوکی خویش ابقاء گردند و یا هم گورشان را گم کرده، جای را خالی نمایند که کاندید جدیدی، جیب وکلاء را پر نماید.

۴ - خاموش ساختن عده ای از منتقدان حکومت دوسره با اعطای وزارت و خالی نمودن جای برای عده ای از افراد حزب اسلامی "گلبدین" و بالا کشیدن تعدادی از آنها تا سرحد وزارت، می تواند علت دیگری باشد که شورای اداره مستعمراتی را وادار به استیضاح و طرد وزراء ساخته است.

۵- دیدن چراغ سبز از جانب "خلیلزاد" و دیگر افراد حزب جمهوریخواه که نمی خواهند تا آخر، با دلق مندرس و آلوده باند "عبدالله" خود را شریک بدانند، می تواند عامل دیگری باشد که تمام پارلمان دولت دست نشانده با یک اشاره مقامات تصمیم گیرنده، پای به میدان گذاشته، می خواهند "غنی" را از شر وزرای "عبدالله" رها ساخته، به آنها مفهوم واقعی انحصار طلبی را بفهمانند.

در غیر دلایل پنجگانه فوق و نکات دیگری که از نظر این قلم مکتوم مانده، می باید حکم نمود که وکلای پارلمان دولت دست نشانده، یک شبه وجدان پیدا کرده و به حکم وجدان در اداره ای که از که تا مه آن نالایق، فاسد و رشوت خور اند، می خواهند جلو بی کفایتی، عدم لیاقت و فساد را بگیرند و یا جرأت و شرافت به خرج داده، خود را با دزدانی مانند "صلاح الدین ربانی" که آرای جمعیت پدرش و تفنگهای عطاء نور را در حمایتش دارد، طرف قرار دهند. امری که طلوع خورشید از غرب، در مقایسه با آن محتملتر به نظر می آید.